

SADRĀ'I WISDOM

ORIGINAL ARTICLE

Family Rights in the Holy Qur'an with Sadra's Approach

Abolfazl Bourghani Farahani¹

1. Ph.D. in Philosophy of Religion,
University Lecturer, Tehran, Iran.

Correspondence

Abolfazl Bourghani Farahani
Email: farahaniedu@yahoo.com

ABSTRACT

As it is clear to everyone, the family is a social institution, and its meaning is not always the same in different societies and throughout human life. Social developments have changed. The family is composed of a group of people who are related to each other through blood, marriage, adoption, and live together for a long and specific period of time. The goals of forming a family include the absence of loneliness, peace, the fulfillment of sexual and instinctive needs in a controlled manner, affection and mercy, and mutual affection among the spouses, the continuation of the generation and the perfection of the man and the woman, and finally, the closeness of God. In all the legal systems of the East and the West for the family, including issues of marriage, legal laws according to their ideals and ideologies, but each of them has a place to ponder because every day we witness men's dissatisfaction with women and women with Men and parents are children and vice versa, which shows the illogicality and lack of firmness of family legal rules, which seems that more culturalization should be done in order to get closer to a balanced family, and men and women are selfless in fulfilling their duties and even Act beyond their duties. Nowadays, in the world regarding women's rights, they are influenced by the achievements of the Westerners regarding the equality of men and women, and this idea of the West has almost surrounded everywhere, even the communist world. Westerners are very proud of themselves in this matter, but It should be asked whether the ruling attitude of the West is really in the interest of the society and women or not, how does Islam see women as beings? Does he consider him equal to a man in terms of human dignity or does he consider him inferior? Islam has a special philosophy regarding the family rights of men and women and considers some of the rights, duties and punishments more suitable for men and some of them for women. has considered dissimilarity.

KEYWORDS

Law, Philosophy, Family, Holy Quran, Molla Sadra.

How to cite

Bourghani Farahani, A. (2023). Family Rights in the Holy Qur'an with Sadra's Approach, SADRĀ'I WISDOM, 12 (1), 173-181.

نشریه علمی

دوفصلنامه حکمت صدرایی

«مقاله پژوهشی»

حقوق خانواده در قرآن کریم با رویکرد صدرایی

ابوالفضل بورقانی فراهانی^۱

۱. دکترای فلسفه دین، مدرس دانشگاه، تهران، ایران.

چکیده

همان طوری که بر همگان روشن است، خانواده یک نهاد اجتماعی است و مفهوم آن در جوامع مختلف و در طول زندگی بشر همواره به یک شکل نبوده و پایه‌های تحولات اجتماعی متحول شده است. خانواده مرکب از گروهی افراد است که از طریق خون، ازدواج، فرزند خواندگی به یکدیگر مربوط و منسوب بوده و برای مدت طولانی و مشخص با هم زندگی می‌کنند. هدف‌های تشکیل خانواده عبارت‌اند از: عدم تنهایی، آرامش رسیدن، برطرف نمودن نیاز جنسی و غریزی به صورت ضابطه‌مند، مودت و رحمت و عواطف متقابل در میان همسران، ادامه نسل و به کمال رسیدن زن و مرد و در نهایت قرب الهی است. در تمامی نظام‌های حقوقی شرق و غرب برای خانواده: اعم از مسائل ازدواج زندگی مشترک، تعهدات همسران نسبت به یکدیگر و احترام متقابل همسران و فرزندان ارث همسران از یکدیگر و میزان آن و نفقه، ارث فرزندان از والدین و طلاق و مسائل ناشی از آن قوانین حقوقی متناسب با ایده‌آل‌ها و ایدئولوژی‌های خود وضع نموده‌اند، اما هر یک از آنها جای تأمل و تعمق دارد؛ چرا که هر روز شاهد بروز نارضایتی مردان از زنان و زنان از مردان و والدین از فرزندان و برعکس می‌باشیم که این امر نشان‌دهنده منطقی نبودن و مستحکم نبودن قوانین حقوقی خانواده است که به نظر می‌رسد باید فرهنگ‌سازی بیشتر صورت گیرد تا به خانواده متعادل نزدیک‌تر شویم و زنان و مردان عاشقانه و ایثارگرانه به انجام وظایف خود و حتی فراتر از وظایف خود عمل نمایند. امروزه در دنیا درباره حقوق زن، تحت تأثیر دستاوردهای غربی‌ها در مورد تساوی زن و مرد هستند و تقریباً این فکر غرب همه جا و حتی دنیای کمونیستی را احاطه کرده است. غربی‌ها در این مسئله خیلی هم به خود می‌بالند، ولی باید پرسید نگرش حاکم بر غرب واقعاً به مصلحت جامعه و خانم‌ها می‌باشد یا خیر، اسلام زن را چگونه موجودی می‌داند؟ آیا از نظر شرافت انسانی او را برابر با مرد می‌داند یا او را جنس پست‌تر می‌شمارد؟ دانشمندان اسلامی از جمله ملاصدرا در مورد حقوق خانوادگی زن و مرد، فلسفه خاصی را بیان کرده‌اند و پاره‌ای از حقوق و تکالیف و مجازات‌ها را برای مرد مناسب‌تر دانسته و پاره‌ای از آنها را برای زن، در نتیجه در مواردی برای زن و مرد وضع مشابه و در موارد دیگر وضع نامشابهی در نظر گرفته است.

واژه‌های کلیدی

حقوق، فلسفه، خانواده، قرآن کریم، ملاصدرا.

نویسنده مسئول:

ابوالفضل بورقانی فراهانی

farahaniedu@yahoo.com

استناد به این مقاله:

بورقانی فراهانی، ابوالفضل (۱۴۰۲). حقوق خانواده در قرآن کریم با رویکرد صدرایی. دوفصلنامه علمی حکمت صدرایی، ۱۲ (۱). ۱۷۳-۱۸۱.

مقدمه

حقوقی میان اعضای خانواده در کلیه جوامع مورد توجه بوده است و هر جامعه‌ای در فراخور حقوقی خویش برای آن معیارهایی را بیان داشته است که در این مورد می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

باقر ساروخانی: «طلاق و پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن».

حسین صفائی و حسن امامی: «مختصر حقوق خانواده».

علی مشکینی: «ازدواج در اسلام، ترجمه احمد جنتی».

علی قائمی: «نظام حیات خانواده در اسلام».

ناصر کاتوزیان: «حقوق مدنی خانواده» و «قواعد عمومی قراردادها».

سیدمصطفی محقق داماد: «حقوق خانواده» و «بررسی فقهی حقوق خانواده نکاح و انحلال آن».

مرتضی مطهری: «نظام حقوق زن در اسلام».

مقایسه حقوق زن و مرد در اسلام و غرب با رویکرد صدرایی مقایسه بین مکتب اسلام با دستاوردهای تمدن غرب از جمله موضوعات مورد بحث پیرامون حقوق زن، است. همان‌طور که در مقدمه مقاله بیان شد، فلسفه خاص اسلام در مورد حقوق خانوادگی زن و مرد، این‌گونه است که پاره‌ای از حقوق و تکالیف و مجازات‌ها را برای مرد مناسب‌تر دانسته و پاره‌ای از آنها را برای زن؛ در نتیجه در مواردی برای زن و مرد وضع مشابه و در موارد دیگر وضع نامشابهی در نظر گرفته است.

عده‌ای تصور کرده‌اند که اسلام، عدالت را در مورد زن مراعات نکرده است؛ در صورتی که همان‌گونه که منابع اسلامی نشان می‌دهد و صاحب‌نظران محقق در این باره تحقیقات فراوان انجام داده‌اند، این‌گونه نیست.

مسلم است که اگر اسلام می‌گفت زن و مرد از همه جهات بیولوژیک، فیزیولوژیک و روانی و هر گونه فعالیت مغزی و روحی یکی هستند، این خلاف واقع بود.

اسلام زن را همانند مردان یک انسان تمام عیار ساخته و حقوقی که برای یک انسان لازم است، برای زن وضع کرده است. به زن استقلال اقتصادی و اجتماعی داده است. اسلام دین مساوات است و اصل مساوات را در همه جا رعایت کرده است. اصلی که در این استدلال به کار رفته این است که لازمه اشتراک زن و مرد در حیثیت انسانی این

حقوق خانواده علمی است که در آن از چگونگی، توانایی و مرزهای علم حقوق مربوط به خانواده بحث می‌شود. در این مقاله ما سعی خواهیم کرد از خود بودن و احکام و عوارض حقوقی آن با روش تعقلی و منطقی با تکیه بر قیاس بین قوانین اسلامی و غربی سخن به میان آوریم و از منظری بلند به قوانین هستی و جایگاه خانواده در نظام هستی گفت‌وگو نماییم. پر واضح است که موضوع معرفت فلسفه حقوق خانواده، مطلق هستی خانواده می‌باشد و بنابراین، ما بحث را به توصیف و تفسیر پدیده خانواده از نظر جایگاه آن در مجموعه هستی و احکام حقوقی مترتب به آن خواهیم کشاند. در واقع در این مقاله مقایسه بین مکتب اسلام به دستاوردهای تمدن غرب صورت خواهد گرفت که نگرش حاکم بر غرب واقعاً به مصلحت جامعه و بالاخص به خانم‌ها می‌باشد یا خیر و اسلام زن را چگونه موجودی می‌داند؟ آیا اسلام واقعاً مردان را بر زنان برتری داده و یا اینکه اسلام در مورد حقوق خانوادگی فلسفه خاصی دارد و پاره‌ای از حقوق و تکالیف و مجازات‌ها را برای مردها مناسب‌تر دانسته و پاره‌ای از آنها را برای زن‌ها مناسب‌تر دانسته است.

اسلام با اینکه دین مساوات است و اصل مساوات را در جاهای دیگر رعایت کرده و لیکن در مورد قوانین و حقوق زن‌ها عدالت به خوبی مشاهده نمی‌شود.

در این مقاله ما خواهیم گفت که اسلام اصل مساوات انسان‌ها را درباره زن و مرد رعایت نموده و با تساوی حقوق زن و مرد مخالف نیست و دانشمندان اسلامی معتقدند که حقوق زن و مرد مشابه نخواهد بود.

و در پایان امیدواریم که برای استحکام خانواده با توجه به قوانین مستحکم دین مبین اسلام، نتیجه‌گیری مطلوبی داشته باشیم.

پیشینه پژوهش

فلسفه حقوق خانواده در اسلام و غرب از مدت‌های قبل مورد نقد و بررسی علما و اندشمندان علوم انسانی و اجتماعی و حقوقدان‌ها بوده است و در این رابطه نظریات متفاوتی نیز اعلام شده است که بعضاً ناقض یکدیگرند، ولی آنچه می‌توان به عنوان نتیجه کلی مورد نظر قرار داد اینکه تفاوت

در اسلام محدودیت‌هایی برای زنان و محدودیت‌هایی برای مردان در نظر گرفته شده است که آن محدودیت‌ها به صلاح آنان هست.

اسلام می‌خواهد زن و مرد رشد و پیشرفت داشته باشند و دستور فرموده شما باید زن را با چشم یک انسان والا نگاه کنید تا معلوم شود که تکامل و حق و آزادی او چیست. زن را به عنوان یک موجودی که می‌تواند مایه‌ای برای اصلاح جامعه یا پرورش انسان‌های والا بشود، نگاه کنید تا معلوم شود که زن کیست و آزادی او چگونه است. زن را به چشم آن عنصر اصلی تشکیل خانواده در نظر بگیرید، اگر چه از مرد و زن تشکیل می‌شود و هر دو در تشکیل و موجودیت خانواده مؤثرند، اما آسایش فضای خانواده و آرامش سکوتی که در فضای خانواده است، به برکت زن و طبیعت زنانه است. با این چشم به زن نگاه کنید تا معلوم شود که زن چگونه کمال پیدا می‌کند و حقوق زن چیست. آزادی و برابری آن وقتی سود می‌بخشد که هیچ کدام از مدار و مسیر طبیعی خویش خارج نگردند.

آنچه در آن جامعه ناراحتی آفریده است، قیام بر ضد فرمان فطرت و طبیعت است نه چیز دیگر. شک نیست که اسلام و غرب با دو دیدگاه متفاوت به زن و ارزش‌ها و کرامت انسان الهی او می‌نگرند و بر همین اساس، برنامه‌ریزی می‌نمایند؛ مثلاً در باب حجاب، اسلام مصونیت برای زنان می‌داند، ولی غرب محدودیت‌ها می‌داند. در باب غریزه جنسی اسلام با ازدواج مردان و زنان در سن قابل قبول، موافقت دارد، ولی غرب با بی‌بندوباری جنسی و آزادی مطلق جنسی.

تساوی و تشابه حقوق زن و مرد در اسلام

اسلام اصل مساوات را درباره حقوق زن و مرد پذیرفته، ولی تشابه و همانندی حقوق آنان را رد کرده است و لازمه عدالت و حقوق فطری و انسانی زن و مرد را در عدم تشابه آنها در برخی از حقوق دانسته و یادآور شده که موضوع عدم تشابه حقوق زن و مرد هم با عدالت و حقوق فطری بهتر آنان تطبیق می‌کند و هم سعادت خانوادگی را بهتر تأمین

است که حقوق مساوی یکدیگر داشته باشند؛ به طوری که ترجیح و امتیاز حقوقی در کار نباشد. آیا لازمه‌اش این است که حقوق زن و مرد علاوه بر تساوی و برابری یا متشابه و یکنواخت هم بوده باشد و هیچ‌گونه تقسیم کار و وظیفه‌ای در کار نباشد؟

شک نیست که لازمه اشتراک زن و مرد در حیثیت انسانی و برابری آنان از لحاظ انسانیت، برابری آنها در حقوق انسانی است، اما مشابه نیست.

اسلام اصل مساوات انسان‌ها را درباره زن و مرد نیز رعایت کرده است. اسلام با تساوی حقوق زن و مرد مخالف نیست، با تشابه حقوق آنها مخالف است.

در اینکه این دو صنف با همدیگر متفاوت‌اند از نظر خلقت طبیعی، جای تردید نیست و در این باره تحقیقات به حد لازم و کافی انجام گرفته است. عنایت امر این است که آیا این اختلاف و تنوع در خلقت طبیعی زن و مرد باعث می‌شود که یکی ناقص و دیگری کامل باشد. نه چنین چیزی نیست؛ این مسئله تنوع است نه نقص و کمال. این اختلافات، انعکاس در رونمای زندگی گذاشته است نه در حقایق واقعی و جوهر حیات این دو صنف زن و مرد.

آنچه ممکن است باعث اختلاف باشد که ما آنها را مشاهده می‌کنیم مانند اینکه مرد نیروی بیشتری در تولید و کار و کوشش و دفاع از کشور، تحمل مشقت‌ها و خشونت‌های زندگی دارد و همچنین در جریان تولد و تناسل باری که زن به دوش می‌کشد باعث تقید بیشتر او می‌گردد و در این جریان مرد آزادتر است، ضمن اینکه تسلیم شدن زن در اجرای پدیده خلقت، خیلی بیشتر از مرد است. قرآن کریم با کمال صراحت در آیات متعددی می‌فرماید: زنان را از جنس مردان و از سرشتی نظیر سرشت مردان آفریده‌ایم و یا در جایی دیگر فرموده است: خداوند از جنس خود شما برای شما همسر آفرید و ملاک برتری را تقوا قرار داد.

همان‌طور که حقوق مردها در اسلام مطرح است، حقوق زن‌ها نیز مطرح است. حتی در برخی موارد، اسلام به زن‌ها بیشتر عنایت کرده و حقوق زنان را بیشتر ملاحظه نموده است.

می‌گوید در تمدن هزاره سوم در میان انواع خانواده‌ها شکل واحدی وجود نخواهد داشت که نقش الگو را بازی کند، بلکه بر عکس، آنچه خواهد بود تنوع ساختار خانواده است.

در دنیای غرب از قرن هفدهم به بعد پایه‌پای نهضت‌های علمی و فلسفی، نهضتی در زمینه مسائل اجتماعی و به‌نام حقوق بشر شکل گرفت، نویسندگان و متفکران قرن‌های هفدهم و هیجدهم افکار خود را درباره حقوق طبیعی و فطری و غیرقابل سلب بشر، با پشتکار عجیبی در میان مردم بخش کردند.

ژان ژاک روسو، ولتر و منتسکیو از این دسته متفکران و نویسندگان هستند که اصل اساسی مورد توجه آنان این نکته بود که انسان بالفطره و به فرمان خلقت و طبیعت، واجد یک سلسله حقوق و آزادی‌هاست. این حقوق و آزادی‌ها را هیچ فرد یا گروهی نمی‌تواند از فرد یا قومی سلب کنند. حتی خود صاحب حق نیز نمی‌تواند به میل و اراده خود آن را به غیر منتقل نماید و خود را از آن محروم سازد.

این نهضت فکری و اجتماعی، ثمرات خود را ظاهر ساخت و اولین بار در انگلستان سال ۱۷۷۶ و بعد در فرانسه به صورت انقلاب‌ها و تفسیر نظام‌ها و امضای اعلامیه‌ها بروز و ظهور نمود و به تدریج به نقاط دیگر سرایت کرد. تا اینکه اعلامیه حقوق بشر که مشتمل بر یک مقدمه و هفده ماده بود، در جهان معروف و مصوب شد و اتفاقاً بحث تساوی حقوق در ماده اول آن به شرح ذیل آمد:

افراد بشر آزاد متولد شده و مادام‌العمر آزاد مانده و با هم مساوی خواهند ماند.

برای اولین بار در قرن بیستم مسوله حقوق زن در برابر حقوق مرد عنوان شد و از طرف سازمان ملل تساوی حقوق زن و مرد صریحاً اعلام شد و تلاش‌های زیادی در جهت تثبیت فرهنگ تساوی، تشابه و همانندی حقوق بین زن و مرد و نگرش تبعیض‌آمیز در عادات و رسوم رفتار، قوانین و مقررات صورت گرفته است و قوانین بین‌المللی بسیاری در این زمینه تدوین و به امضا و تصویب دولت‌ها رسیده است. اما می‌بینیم که نتایج شوم و زیانباری را برای جهان بشریت، به خصوص در غرب به ارمغان داشته و باعث شد نظام خانواده فروپاشی شود، زنان و دختران به ابتذال و خود فروشی و تن‌فروشی افتاده و بیماری‌های مسری و

می‌نماید و هم اجتماع را بهتر به جلو می‌برد. از دیدگاه اسلام برخلاف فرهنگ‌های ملل معاصر غرب و شرق، به طور اصولی زن و مرد هم از جهت ساختار آفرینش و هم در حقوق و تکالیف، یکسان و همانند هستند و جز در موارد خاصی که در مقایسه با کل خلقت یا نظام حقوقی موارد محدودی مشاهده می‌شود، تفاوتی وجود ندارد؛ ولیکن اشتراکات بسیار زیادی دارند که به چند نمونه اشاره می‌شود:

۱. تساوی کامل در برخورداری از ماهیت انسانی و لوازم آن.
 ۲. تساوی کامل در طی کردن و سیر راه تکاملی انسان و قرب الهی و عبودیت پروردگار.
 ۳. تساوی کامل در امکان انتخاب جناح حق و باطل، ایمان و کفر.

۴. اشتراک در بیشتر تکالیف و مسئولیت‌ها.
 ۵. استقلال اجتماعی، سیاسی و اعتقادی زنان و حق مشارکت آنان در عرصه فعالیت‌های اجتماعی سیاسی و فرهنگی.
 ۶. استقلال اقتصادی زنان و حق مالکیت و اشتغال آنان.
 ۷. برخورداری مادران از حقوق خانوادگی همانند پدران و حتی اولویت دادن به حق مادر با توجه به زحمات و تکالیف و مسئولیت‌هایش در رابطه با کودک دارد.
 ۸. استقلال فکری و حق نشر اندیشه‌ها و آرا و بیان ایده‌های خود.

در جهان غرب با توجه به تأثیراتی که تحولات جهان صنعتی بر خانواده داشته با اشکال مختلفی از خانواده رو به رو می‌شویم که روشنفکران غربی می‌کوشند آن اشکال را لازمه تحولات جامعه بشری معرفی نمایند.

حتی اگر تعریف خود را آن چنان گسترش دهیم که خانواده‌هایی را که زن و شوهر کار می‌کنند یا خانواده‌های دارای فرزند کمتر یا بیشتر ... باز هم می‌بینیم که اکثریت وسیعی از جمعیت خارج از چارچوب خانواده هسته‌ای زندگی می‌کنند.

الوین تافلر پس از بیان نکات فوق از عدم ازدواج، اختیار و انتخاب زندگی مجردی، زوج‌های توافقی، والدین بدون بچه، خانواده‌های تک‌والدی یا حتی چندوالدی خبر داده و

جسم و بدن باشد؛ زیرا در آن صورت هر عملی را که انجام دهد، قصدش سعادت بدنی است.

ملاصدرا در *الشواهد الربوبیه*، دنیا را منزلی از منازل سائرین الی الله تعبیر می‌کند و انسان را مسافری می‌داند که از منازل متعدد باید عبور کند تا به مطلوب حقیقی خویش نائل شود. از این‌رو، دنیا از این جهت متصل به آخرت است و کمال انسان بر حسب دو عالم دنیا و آخرت، معنا و مفهوم پیدا می‌کند.

حکیم ملاصدرا و امثال او نه ادعای نبوت دارند نه ادعای امامت و سخنان وی، ریشه در شریعت دارد.

از گفتار حکیمان ظاهر آن را دیدن هنر نیست، اگر اولوا الألباب باشیم، بنده خداییم و لایق بشارت. اولوا الألباب اولاً عاقلانه می‌شنوند و مغز را می‌یابند. ثانیاً دنبال بهترین‌ها می‌گردند نه اینکه از یک مجموعه عظیم حکمت‌ها دنبال نقص‌ها بگردند. ثالثاً هر سخن را نیز تا حد امکان سعی می‌کنند به بهترین وجهش تفسیر نمایند. نه آنها بخواهند برداشت خودشان را اغراض خودشان را بر سخن گوینده تحمیل کنند. همان‌گونه که سخن خدا، محکم و متشابه دارد، سخن انبیا و اولیا و علما نیز محکم و متشابه دارد.

در هر حال و هر زمان در باب تساوی حقوق زن و مرد اسلام اصل مساوات را برای هر دو پذیرفته، ولکن تشابه حقوقی را رد کرده است، ولی در غرب زنان نیز می‌خواهند دوش به دوش مردان کار کنند، آزاد باشند و هر کاری که دلشان خواست انجام دهند که این امر با حیثیت و شرافت زنان منافات دارد و چیزی به جز بدبختی و آوارگی ... عاید زنان نمی‌شود.

نظر ملاصدرا درباره حقوق زنان در خانواده

ملاصدرا در *المظاهر الالهیه* هنگامی که منافع زمین را می‌شمارد و از جمله می‌فرماید: «از منافع آن تولد حیوانات مختلف» و شروع می‌کند به شمردن اقسام حیوانات از حیث منافعشان و می‌رسد به آنجا که «و بعضها للنکاح و الله جعل لکم من أنفسکم أزواجاً»؛ یعنی بعضی از حیوانات برای نکاح می‌باشند. خداوند متعال می‌فرماید: و خدا قرار داد از خودتان برای شما جفت‌هایی.

در اصطلاح منطقی و فلسفی انسان عبارت است از

غیرمصری شیوع یافته و فرزندان نامشروع زیاد شده و سقط جنین رواج پیدا کرده و در نهایت بنیان خانواده سست شده و جامعه غربی به سمت و سویی حرکت می‌کند که عاقبت شوم و نافرjامی در انتظار آنان خواهد بود.

در هر صورت چاره‌ای نیست جز اینکه سازمان‌های بین‌المللی، دولت‌ها و ملت‌های غربی روزی به فکر تحکیم بنیان خانواده و ایجاد روحیه تعاون و وفاداری بین زن و شوهر و فرزندان و تربیت فرزندان صالح در کانون گرم خانواده و در نهایت ایجاد آرامش و امنیت در خانواده و جامعه بیفتند.

خانواده میراث بزرگ و گرانبه‌ای است که از نیاکان و گذشتگان به ما رسیده است. این مجموعه مقدس که دربرگیرنده کنش‌های مختلف اولیه انسان نسبت به هم‌نوع است، به عنوان زیربنایی‌ترین موضوع مباحث مربوط به شناخت اجتماع و محیط پیرامون آن قرار گرفته است.

سیاست کشور و خانواده به صورتی غیر قابل تفکیک چنان به هم گره خورده که به صراحت و جرأت می‌توان گفت که نظام فکری یک کشور در جهتی مستقیم متأثر از خانواده است. برای داشتن مدینه‌ای فاضله در دنیای حقیقی و آخرتی پرثمر، در نخستین گام باید مدیریت و کیاست قابل و توانا در خانواده به وجود آید و برای رسیدن به هدف مطلوب در لوای نظام فطری مبتنی بر کرامات و شعور والای انسانی، باید درصدد یافتن الگوهای سازنده و مفید و بزرگ باشیم تا بتوانیم فرداهای روشنی ترسیم نماییم.

ملاصدرا در تفسیر خود از قرآن کریم، تأکید می‌کند که فقط انسان کامل، صلاحیت خلافت و جانشینی خداوند و آبادانی در جهان را دارد و حامل بار امانت الهی است، ولی قبل از هر چیز باید معلوم باشد که نفس انسان چیست، غایت و کمال او در چیست، قوت‌های او کدام است و کمال و سعادت مطلوب او چیست؟

ملاصدرا انسان را مردمک چشم عالم می‌داند و خدا با این مردمک، به انسان نگاه می‌کند. او در شناخت نفس انسانی و فضیلت خودشناسی ضمن اشاره به چند مرحله می‌گوید: هر کس که نفس خود را بشناسد، عالم را شناسد و هر که عالم را شناخت، در مقام مشاهده خداوند تبارک و تعالی است. شناخت انسان هم از خود، نباید صرفاً به لحاظ

تدبیر منزل در نگاه ملاصدرا

صدرالمتألهین در الشواهد الربوبیه، المظاهر الالهیه، اسرار الآیات و انوار البینات و شرح اصول کافی اشاراتی به «تدبیر منزل» دارد. در المظاهر الالهیه گفته است:

مقصود از یاد دادن روش آبادسازی منازل و مراحل سلوک به سوی خدای تعالی و طریقه بندگی وی و چگونگی برداشت توشه و مرکب برای سفر آخرت و مهیا شدن جهت ریاضت دادن و چگونگی رفتار و برخورد انسان با عینیات این جهانی است که برخی از این عینیات در درون خود انسان است. مانند صفات نفسی از قبیل قوای شهوانی و غضبی و علم به این عینیات را «تهذیب اخلاق» می‌نامند. برخی از این عینیات در برون انسان است و خارج از نفسانیات شخصی است. چه در یک منزل، مانند خانواده و خدمتکاران و پدر و فرزند که علم به این عینیات را «تدبیر المنزل» می‌نامند. چه در یک شهر که علم به این عینیات را «علم سیاست و احکام شریعت»، از قبیل دیات و قصاص احکام نام می‌نهند.

امید و آرزوی هر پدر و مادری به عنوان مسئولان نظام خانواده در وهله اول این است که انسان‌هایی وارسته، پرهیزگار و آماده خدمت به هم‌نوعان تربیت کنند. بنابراین، آنجا که هادی خانواده به سوی هدف مشخص شده‌اش در حرکت است، یک سلسله برنامه‌ریزی‌های متعدد و گوناگون وجود دارد که در هر لحظه و موقعیتی معیار سنجش نیکی و بدی است.

بحث و نتیجه‌گیری

خانواده به عنوان اولین و بنیادی‌ترین تشکل در جامعه، به مسئول و سرپرست نیاز دارد. هر تشکل و اجتماعی که مقام مسئول یا سرپرست نداشته باشد، به نابه‌سامانی و هرج و مرج کشیده می‌شود. اینک باید بررسی کرد که مسئولیت و ریاست خانواده بر عهده کدام یک از ارکان خانه مرد یا زن و یا هر دو گذاشته شود؟

بی‌تردید رهبری و سرپرستی دسته جمعی که زن و مرد با هم آن را بر عهده بگیرند، مفهومی ندارد، بلکه در واقع به معنای فقدان مسئول و سرپرست است و به تجربه ثابت شده

«حیوان ناطق»؛ یعنی همگی ما انسان‌ها - چه مرد چه زن - حیوان هستیم. تعریف منطقی «حیوان» نیز عبارت است از «جسم نامی متحرک»؛ یعنی جسمی که رشد می‌کند و توانایی حرکت دارد.

خداوند متعال اکثر مردم دنیا را - اعم از زن و مرد - حیوان صامت بالفعل و حیوان ناطق بالقوه دانسته است. چون اکثر مردم دنیا - اعم از مرد و زن - اهل تعقل نیست، بلکه اهل حس و خیال و ظن می‌باشند

از منظر خداوند متعال آن موجودی که بالقوه عقل دارد، ولی تعقل نمی‌کند، بالفعل جنبنده (حیوان) صمّ بکم است و بالقوه حیوان ناطق. چون منظور از نطق، نطق ناشی از عقل است نه نطق ناشی از قوه خیال. چون سخنی که از قوه خیال برمی‌آید یا با به مدد قوه خیال شنیده می‌شود، ظن و گزافه است نه حکمت و یقین. اکثر مردم نیز صبح و شب مشغول این‌گونه سخنانند و کم هستند کسانی که اشتغال به معقولات داشته باشند. اگر در کسی قوه عقل حاکم بود، او عقلی می‌بیند، عقلی می‌شوند، عقلی سخن می‌گویند، عقلی می‌خورد و عقلی آمیزش می‌کند. بنابراین، تمام کارهای او می‌شوند کارهای انسان؛ یعنی همان حیوان ناطق، اما اگر در کسی قوه خیال حکومت نمود، او خیالی و جزئی می‌بیند، خیالی و جزئی می‌شوند، خیالی و جزئی سخن می‌گویند، خیالی و جزئی می‌خورد و خیالی و جزئی آمیزش می‌کند. بنابراین، تمام کارهای او می‌شوند کارهای حیوان صامت. لذا این‌گونه افراد حتی اگر کلام حکیم را هم بشنوند، عوامانه می‌فهمند نه حکیمانه. اینها تنها پوسته سخن را می‌شنوند نه قشر آن را، چون اولوالالباب نیستند.

از نظر تفکر منظومه‌ای و سلسله مراتبی صدرالمتألهین، نظام اجتماعی جهانی، سیستم کلان و بقیه زیرمجموعه سیستم هستند. اهمیت خانواده بیشتر از آن نظر است که هر عضوی از این خانواده به نوعی رئیس این جامعه به حساب می‌آید. چون فرزندان در سیر حرکت جامعه بشری روزی جایگاه مدبر خانواده را به خود اختصاص خواهند داد. در اندیشه والای ملاصدرا که ارزش و موقعیت انسان را در منزلگاه آخرت جست‌وجو می‌کند، مسلماً نهاد خانواده که باید بر پایه تهذیب و ایمان استوار شود، اهمیتی ویژه دارد.

بلکه بر اساس مصلحت اجتماعی و از باب خصوصیات طبیعی و فطری زن و مرد است. البته ایفای نقش و انجام وظیفه مهم، تنها با حکومت بر دل میسر است و زور جسم و بازو پایدار نیست. وظایف خانه‌داری، همسر‌داری و مادری، به عاطفه‌ای قوی نیاز دارد که زن دارای این ویژگی ارزنده و مهم است. در این رابطه حضرت علی (ع) فرموده‌اند: کاری را که برتر از توانایی زن است به او وامگذار؛ زیرا زن همانند (شاخه) گل است نه قهرمان (خشن). در حالی که مرد وجودی تعقلی بیشتری دارد و برای کارهای سنگین اجتماعی مناسب است. زن مانند گل است که طراوت آن، تحمل آفتاب سوزان و باد و طوفان را ندارد و مرد توان سختی بیشتر را دارد. از این‌رو، خداوند مسئولیت تأمین مخارج خانواده را به مرد سپرده است.

در پایان باید گفت: هدف از ازدواج در اسلام به مراتب، بالاتر و مقدس‌تر از آن است که تنها در حد کام‌جویی جنسی باشد؛ زیرا اگر چنین بود هیچ فرقی میان ازدواج انسان و جفت‌گیری حیوانات نبود و ازدواج مشمول این همه قوانین آسمانی و رهبری پیامبران علیهم‌السلام و راهنمایان قرار نمی‌گرفت. پس باید در آن اهداف مهم دیگری نیز وجود داشته باشد؛ از جمله: ایجاد، بقا و طهارت نسل، تکمیل و تکامل، مودت و صفا و از همه بالاتر، انجام وظیفه الهی. پیمان ازدواج پیمانی مقدس و الهی است. بدین‌سان، جز در سایه احکام الهی نمی‌توان آن را فسخ کرد. ازدواج امری اساسی و مهم است، باید در جامعه رشد و توسعه یابد تا افراد در سایه پابندی بدان از بسیاری انحرافات و پیشامدهای ناگوار مصون بمانند.

منابع

اسماعیل یزدی، عباس (بی‌تا). فرهنگ تربیت. اعوانی، غلامرضا (خردادماه). یازدهمین همایش بزرگداشت حکیم ملاصدرای شیرازی با عنوان «حکمت متعالیه و تدبیر خانواده». جام جم آنلاین. اکبری، رضا (خردادماه). یازدهمین همایش بزرگداشت حکیم ملاصدرای شیرازی با عنوان «حکمت متعالیه و تدبیر خانواده». جام جم آنلاین.

است که وجود دو سرپرست در یک سازمان، از نداشتن رئیس زیان بخش‌تر است و کشوری که دو فرمان روای مستقل دارد، همیشه هرج و مرج و بی‌نظمی در آن حکم فرماست. بنابراین، راه اول صحیح نیست و باید مسئولیت امور خانواده را به عهده مرد یا زن گذاشت. از آن جهت که مرد از نظر ساختمان جسمی و روحی برای پذیرش چنین مسئولیت خطیری، آمادگی بیشتری دارد، این مسئولیت بر عهده او گذاشته شده است. چون زن از نظر عواطف، بر مرد برتری دارد و مرد از لحاظ مدیریتی.

در اداره امور خارج از منزل بر نیروی توانمندی و تعقل و تفکر احتیاج بیشتری است، عقل سلیم حکم می‌کند که بار سنگین و پر مسئولیت اداره خانواده بر عهده مرد باشد. قرآن نیز تصریح می‌کند که مقام سرپرستی باید به مرد داده شود. این موقعیت به دلیل وجود خصوصیات در مرد است. مانند ترجیح قدرت تفکر او بر نیروی عاطفه و احساسات که زن از نیروی عواطف بیشتری بهره‌مند است و نیز داشتن بنیه و نیروی جسمی بیشتر که با قدرت تفکر بتواند بیندیشد و طرح و نقشه بریزد و با توان بدنی و جسمی بتواند از حریم خانواده دفاع کند.

خداوند متعال، حق ریاست و سرپرستی و تدبیر امور خانواده را به دلیل برتری‌های طبیعی جنس مرد، به او سپرده و به معنایی هم قائم بودن (قوامون) و تکیه‌گاه بودن مرد برای زن و در مقابل، مرد مکلف شده است که مخارج و هزینه زندگی مشترک را تأمین کند. آیه یادشده بعد از آن که اصل سرپرستی و ریاست شوهر را بیان می‌کند، به حکمت و علت این امتیاز اشاره می‌کند و می‌فرماید:

«بما فضل الله بعضهم علی بعض» این سرپرستی به خاطر تفاوت‌هایی است که خداوند (از نظر آفرینش و روی مصلحت نوع بشر) میان آنها قرار داده است. بلافاصله در برابر چنین حقی تکلیفی را بر عهده شوهر قرار می‌دهد و می‌فرماید: «و بما انفقوا من اموالهم» این سرپرستی به خاطر تعهداتی است که مردان در مورد پرداخت‌های مالی در برابر زنان و خانواده بر عهده دارند.

باید توجه داشت که برتری جنس مرد بر زن در ریاست خانواده و اداره خانواده از جهت انسانی و اجتماعی او نیست،

- بهشتی، احمد (بی تا). *خانواده در قرآن*.
 پاک‌نژاد، سیدرضا (بی تا). *ازدواج؛ مکتب انسان‌سازی*. تهران: یاسر.
- تافلر، الوین (۱۳۷۸). *موج سوم*. ترجمه شهین‌دخت خوارزمی. چاپ سوم. چ سیزدهم. تهران: نشر علم.
- خامنه‌ای، سیدعلی (بی تا). برگرفته از رساله توضیح المسائل همراه با نکات و مسائلی از کتب سایر مراجع و علما. خامنه‌ای، آیت‌الله سیدمحمد (خردادماه). یازدهمین همایش بزرگداشت حکیم ملاصدرای شیرازی با عنوان «حکمت متعالیه و تدبیر خانواده». جام جم آنلاین.
- داوری اردکانی، رضا (خردادماه). یازدهمین همایش بزرگداشت حکیم ملاصدرای شیرازی با عنوان «حکمت متعالیه و تدبیر خانواده». جام جم آنلاین.
- روضه المتقین، ج ۸. سااروخانی، باقر (بی تا). *طلاق و پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن*. صفائی، حسین و امامی، حسن (۱۳۸۴). *حقوق خانواده*. چاپ هشتم. تهران: نشر میزان.
- مشکینی، علی (۱۳۶۶). *ازدواج در اسلام*. ترجمه احمد جنتی. قم: الهادی.
- قائمی، علی (بی تا). *نظام حیات خانواده در اسلام*. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲). *حقوق مدنی خانواده*. جلد اول. چاپ ششم. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- مجلسی، محمدباقر (بی تا). *بحار الانوار*. ج ۱۰۳. محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۴). *حقوق خانواده*. چاپ یازدهم. تهران: انتشارات علوم اسلامی.
- _____ (۱۳۷۴). *بررسی فقهی حقوق خانواده نکاح و انحلال آن*. چاپ پنجم. تهران: نشر علوم اسلامی.
- _____ (خردادماه). یازدهمین همایش بزرگداشت حکیم ملاصدرای شیرازی با عنوان «حکمت متعالیه و تدبیر خانواده». جام جم آنلاین.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). *نظام حقوق زن در اسلام*. چاپ بیست و یکم. تهران: انتشارات صدرا.
- نظام حیات خانواده در اسلام. ص ۳۵۴، با اندکی تصرف. *وسائل الشیعه*. ج ۱۴. ص ۱۷. باب ۶ از ابواب مقدمات نکاح. یثربی، سیدیحیی (خردادماه). یازدهمین همایش بزرگداشت حکیم ملاصدرای شیرازی با عنوان «حکمت متعالیه و تدبیر خانواده». جام جم آنلاین.
- الیزابت فاکس جلووف (بی تا). «زن و آینده خانواده». ملاصدرا (بی تا). *الشواهد الربوبیه*. به اهتمام و مقدمه جلال‌الدین آشتیانی. ص ۳۶۱.
- _____ (۱۳۶۷). *المظاهر الالهیه*. ترجمه سید حمید طبیبیان. بخش اول، مظهر یکم. صص ۱۵ و ۱۶. تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۶۰). *الاسفار الاربعه*. به نقل از مصطلحات فلسفی صدرالدین شیرازی، سیدجعفر سجادی. ج ۳. چاپ دوم. صص ۱۴۲-۱۴۷. تهران: نهضت زنان مسلمان.
- _____ (۱۳۶۷). *المظاهر الالهیه*. ترجمه سید حمید طبیبیان. بخش اول. صص ۱۵ و ۱۶. مظهر یکم. تهران: امیرکبیر.